

جنگ بخاطر نفت ایران به تعویق می افتد؟

مصاحبه



<http://svpressa.ru/politic/article/52081/>

برگردان: ا. م. شیری

<http://eb1384.wordpress.com/2012/01/31/>

۱۱ بهمن ۱۳۹۰

چرا تشدید تنش پیرامون تنگه هرمز به سود آمریکایی هاست.

باراک اوباما در پیام خود به کنگره آمریکا، با اشاره به تشدید اقدامات برای قطع وابستگی کشور به واردات مواد مولد انرژی از خارج بطور مشخص گفت: «در طول سه سال اخیر ما اجازه حفاری در میلیونها هکتار معادن نفت و گاز را صادر کردیم. من به دولت خود دستور اکتشاف ۷۵ درصد منابع دریایی بالقوه مان را می دهم». علاوه بر آن، او خاطر نشان کرد که واشینگتن از همه گزینه ها برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح اتمی استفاده خواهد کرد. از هر دوی این اظهارات این نتیجه منطقی حاصل می شود که مسئله جنگ ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران حل شده است. افزون بر آن، در تاریخ ۲۶ ژانویه معلوم شد که آمریکا در ماه مارس یک گروه ناو هواپیمابر ضربتی به سرپرستی ناو هواپیمابر اتمی «انترپرایز» را به خلیج فارس گسیل خواهد داشت (موشکهای کروز و سه ناوشکن نیز جزو این گروه می باشند). بدین ترتیب، این سؤال پیش می آید که اگر مناقشه از فاز «سرد» به فاز «گرم» وارد شود، تأثیر آن بر بازار جهانی مواد مولد انرژی چگونه خواهد بود؟

برای یافتن پاسخ این سؤال ما (مطبوعات آزاد) به سرگئی پراواسودوف، مدیر انستیتوی انرژی ملی مراجعه کردیم.

– باید توجه داشت که شروع جنگ بر علیه ایران به نفع ایالات متحده آمریکا نیست. مشکل بتواند بر اساس سناریوی عراق عمل کند. اگر قرار بود آمریکا به این کار دست بزند، ارتش خود را از عراق خارج نمی کرد. چرا که عراق بهترین پایگاه برای آغاز عملیات زمینی در ایران بود.

فکر می‌کنم آمریکایی‌ها در تحریک ایران برای دست زدن به عکس العمل‌های تند، مثل بستن تنگه هرمز، ذینفع‌اند. آمریکا با متقاعد کردن شرکای خود برای امتناع از خرید نفت ایران، سعی می‌کند ایران را به بن بست براند. زیرا، اقتصاد این کشور اساساً، به صادرات «طلای سیاه» وابسته است و منابع دیگری برای ادامه حیات ندارد. با این وضع، برای اکثریت ایرانیان قابل درک نیست که چرا غرب بر علیه آنها متحد می‌شود. به آنها گفته می‌شود: شما برای ساخت سلاح اتمی تلاش می‌کنید. این در حالیست که شمار زیادی از کشورهای جهان در همین سمت حرکت می‌کنند، اما هیچ‌کسی، بخصوص بدین شکل خشن، متعرض آنها نمی‌شود. همین پاکستان در همسایگی ایران سلاح اتمی در اختیار دارد. علاوه بر این، القاعده نیز از همان سالهای حضور نظامی اتحاد شوروی در افغانستان، در پاکستان حضور دارد و از حمایت دولت برخوردار است. اما چرا جامعه بین‌المللی هیچگاه حتی فکر تحریم این کشور را به ذهن خود راه نمی‌دهد؟ واضح است که بازیهایی که ربطی به خطر هسته‌ای ایران ندارد. همه اینها بهانه است.

«مطبوعات آزاد»- پس همه این بهانه‌گیریه‌ها بخاطر چیست؟

- بنظر من، یک دلیل ساده دارد. آمریکائیه‌ها صاحب قدرتمندترین نیروی دریایی در جهان هستند. این نیرو تقریباً تمام حمل و نقل دریایی جهان را کنترل می‌کند. طراحان استراتژی آمریکا در زمانهای اخیر از اینکه بودجه بسیار هنگفت و سنگینی برای امور دفاعی تخصیص می‌یابد، آه و ناله می‌کنند. بودجه این کشور تقریباً مساوی با بودجه دفاعی تمام کشورهای جهان است. و این در حالیست که بدهی خارجی هنگفت آمریکا، تقریباً به ۱۶ تریلیون دلار سر می‌زند. بری اغلب صاحب نظران سیاسی آمریکا این سؤال مطرح است که آیا این بیش از حد راهزانه نیست که ما بعنوان ضامن عملکرد طبیعی تجارت دریایی جهان عمل می‌کنیم؟ آنها عقیده دارند، کشورهایایی از امنیت تجارت دریایی بهره می‌برند، که بسیار خوب تحت پوشش ناوشکنهای آمریکایی قرار می‌گیرند. یعنی، هزینه امنیت دریایی را آمریکا می‌پردازد ولی، سودش را آنها می‌برند.

آمریکا باید به دیگر کشور تفهیم نماید که برای برقراری امنیت بایستی هزینه کنند. به همین سبب، اینک برای آنها متجاوزی لازم است که به کشتیرانی جهانی حمله کند. وضعیت تنگه هرمز برای این کار بسیار مناسب است. ایرانی‌های بد، تانکرهای نفت را متوقف خواهند کرد و آمریکایی‌های خوب، با هزینه معقول می‌توانند کشتی‌های دیگر کشورها را از تنگه عبور دهند. این مثال خوبی برای آن خواهد بود که در قبال حراست از تهدیدات مختلف، چقدر به آمریکائی‌ها خواهند پرداخت.

علاوه بر آن، تشدید هر گونه تنش پیرامون ایران، به نفع آمریکاست. زیرا، هم موجب افزایش قیمت جهانی نفت خواهد شد و، هم، توسعه شیست گاز و نفت، سنگهای زیستی را مقرون به صرفه خواهد ساخت که آمریکا در داخل اضافه بر مصرف دارد. بطور کلی، توسعه شیست نفت خیز، یکی از جهات اصلی توسعه بخش واقعی اقتصاد آمریکا است. طبق ارزیابی تحلیلگران آمریکایی، در سایه اجرای طرحهای این عرصه تا سال ۲۰۱۵ در آمریکا ۸۷۰ هزار فرصت شغلی ایجاد خواهد شد. درآمد ناخالص این کشور ۱۱۸ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. اما برای اینکه همه این فعالیت موجب ضرر و زیان نشود، قیمت نفت باید افزایش یابد. حداقل ۱۰۰ دلار در هر بشکه.

همانطور که می‌بینید، آمریکائیه‌ها، با دامن زدن به تشنجات پیرامون ایران، بسیاری از مشکلات خود را حل می‌کنند، اما اروپائیه‌ها و چینی‌ها با معضلات جدیدی مواجه می‌شوند. متحدان آمریکا مجبورند ضمن بمخاطره انداختن اقتصاد خود، با مواضع آمریکا موافقت کنند. مثلاً، کشورهای ژاپن ۱۷ درصد، ایتالیا ۱۰ درصد و کره جنوبی ۹ درصد نفت مورد نیاز خود را از ایران وارد می‌کنند.

«مطبوعات آزاد»- در عین حال، چین مخالف شدید خود را با تحریم نفت ایران اعلام کرد. آمریکا چقدر می‌تواند بمواضع کشوری که اقتصادش وابسته به آن است، بی‌اعتنایی کند؟

- در این وضعیت، عامل اصلی این است که موضع چین مشخص نیست. آمریکائیه‌ها بیش از هر کشوری به چین بدهکارند. و اقتصاد آسمانی آن به سهم خود بشدت به نفت خامیانه وابسته است. تصور می‌کنم که آمریکائیه‌ها سعی می‌کنند بر سر وابستگی با چین معامله کنند. یعنی، ما تانکرهای

شما را از تنگه هرمز عبور می دهیم و شما نیز از بدهی های ما کم کنید. واضح است که این معامله به نفع چینی ها نیست، ولی آنها چه عکس العملی نشان خواهند داد، هنوز معلوم نیست. **(ترجمان ساده این گفته، یعنی، اینکه آمریکا در نظر دارد نقش راهزنان دریایی سومالی را در تنگه هرمز ایفاء نماید. مترجم).**

«مطبوعات آزاد»- در لیبی هم منافع چین مطرح بود ولی آمریکا این مسئله را در نظر نگرفت...

- در این وضعیت چین چکار می تواند بکند؟ خوب، اعتراض می کند. این اعتراضات برای آمریکائیهها باد هواست. چین نمی تواند با آمریکا بجنگد و حتی نمی خواهد. «اوراق بهادار» آمریکا را وارد بازار کند؟ هر قدر که می خواهد. در مقابل، آمریکا باز هم مثل همیشه تریلیونها دلار چاپ خواهد کرد. تصور می کنم که چین هنوز اهرمهای متناسبی برای تأثیرگذاری بر آمریکا را در اختیار ندارد.

«مطبوعات آزاد»- تصور کنید، ما فرضیه شما را در مورد آنکه آمریکا در تشدید تنشها پیرامون ایران ذینفع است، بعنوان واقعیت مطلق می پذیریم. آیا می توان این استراتژی «ژاندارم بین المللی» را در هم شکست؟

- بلی، بی تردید. عوامل بسیار زیادی در خاورمیانه در هم تنیده و در اینجا بازیهای بسیار جدی با پولهای هنگفت، در هم گره خورده است. در چنین شرایطی، کل منطقه به کانون بی ثباتی تبدیل گردیده است. اگر یکی از بازیکنان کنترل بر اعصاب خود را از دست بدهد، این عصبانیت می تواند به فاجعه جهانی بیانجامد. تصور پیامدهای آن وحشتناک است. مناقشه می تواند گسترش یابد و دیگر مناطق جهان را به کام خود بکشد.

«مطبوعات آزاد»- گمان می رود که قیمت بالای نفت، بسود روسیه باشد. ممکن است ما هم مثل آمریکا، از بروز مناقشات جدید در خاورمیانه سود می بریم؟

- در ابتدا، البته! می توان درآمدهای فوق العاده از صادرات مواد انرژی بدست آورد. اما جنگ دراز مدت آمریکا با ایران می تواند پیامدهای منفی برای روسیه در پی داشته باشد. اولاً- افزایش بهای نفت، یافتن منابع جایگزین برای تأمین انرژی را مقرون به صرفه خواهد ساخت. و کشورهای پیشرفته بسرعت در این عرصه فعالیت خواهند کرد. ثانیاً- بی ثباتی ایران در همسایگی دیوار به دیوار کشورهای مشترک المنافع، می تواند به مناطق نا آرام آسیای مرکزی و قفقاز سرایت نماید.

«مطبوعات آزاد»- عراق هم تا چندی پیش خودش را چنین تصور می کرد. بویژه آنکه این کشور قبل اشغال توسط آمریکا، یکی از بازیگران عمده بازار جهانی نفت بود. در حال حاضر چه انتظاری می توان از این کشور داشت؟

- عراق امروز بزرگترین علامت سؤال در تجارت نفت بشمار می رود. با در نظر گرفتن ذخایر نفت، این کشور می تواند تولید آن را صد در صد افزایش دهد. آیا این کار را خواهد کرد؟ همه مسئله بسته به این است که می توانند در بخش تولید نفت این کشور امنیت پایدار برقرار سازند یا نه. بخصوص اینکه آمریکا حضور نظامی خود در عراق را بشدت کاهش داده است.

«مطبوعات آزاد»- گفته می شود که آمریکا همه نیروهای خود را از عراق خارج کرده است.

بلی، اما در آنجا شمار زیادی از به اصطلاح نظامیان خصوصی باقی مانده است. فقط در حدود ۱۰ هزار مشاور نظامی هنوز در عراق هستند. و حقوق «سربازان خصوصی» که در واقع همان نیروهای ویژه بحساب می آیند، گویا از بودجه دولتی پرداخت نمی شود. طبق برآوردهای مختلف، شمار آنها از ۱۶ تا ۵۰ هزار تخمین زده می شود. و اینها همان آدمهایی هستند که باید استخراج منظم نفت عراق را سازماندهی نمایند. آیا از عهده این کار بر خواهند آمد یا نه، هیچ کس نمی داند.

«مطبوعات آزاد»- مگر ممکن است، مثلاً بعنوان نمونه، لیبی گفت که کشور بمباران شده توسط آمریکا بتواند صادرات نفت خود را بسرعت به سطح قبل از جنگ برساند؟

- فکر می‌کنم که اکنون در لیبی نفت بمیزان ۶۰ درصد تا آغاز جنگ استخراج می‌شود. آنچه که به مسئله ترمیم مربوط می‌شود، این است که تجارت آمریکا تحت حفاظت سربازان آمریکایی خیلی سریع می‌تواند هر چاه از کار افتاده را دوباره راه اندازی کند. اما اگر لیبیایی‌ها و یا کسان دیگری بخواهند این کار را به نیروی خود انجام دهند، احتمالاً یک سال طول خواهد کشید.

«مطبوعات آزاد»- اگر فرض کنیم که چاه‌های ایران هم بمباران خواهد شد...

- سؤال اصلی همین است. مسئله مستقیماً با مقاومت ارتش ایران در مقابل تجاوز آمریکا بستگی دارد. عراق، اگر فراموش نکرده‌اید، بی‌جنگ تسلیم شد. هنوز تسلیم ارتشیان عراق به پایان نرسیده بود که سربازان آمریکایی کار فرونشاندن آتش چاه‌های سوزان را آغاز کردند. در ارتباط با ایران هم، هنوز معلوم نیست که آمریکا می‌تواند این کار را حتی اگر بخواهد، انجام دهد!